

دو فصلنامه علمی - تخصصی علامه

سال یازدهم - شماره پیاپی ۳۲

بهار و تابستان ۹۰

مسئولیت قوه قضائیه در پیشگیری از جرم در پرتو بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی*

حسین فخر**

امید رستمی غازانی***

چکیده

به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» از وظایف قوه قضائیه است. از آنجایی که پیشگیری از جرم در دو مفهوم عام و خاص به کار می‌رود و در عین حال شامل شیوه‌ها و مصادیق متعدد می‌شود، فهم اینکه پیشگیری از جرم مذکور در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ناظر به کدام یک از تدابیر پیشگیری است، واجد اهمیت است. فهم درست و منطقی از این بند از قانون اساسی، پیش شرط اصلی در اجرای صحیح آن است. اختلافات پیرامون بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از زمان تدوین این اصل در مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح بوده است و در شورای بازنگری قانون اساسی نیز به صورت غیرمستقیم مورد بحث واقع شد. این اختلافات در نظریات حقوقی نیز متجلی شد و با تدوین لایحه پیشگیری از وقوع جرم توسط

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۲۵

* تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۴

** استادیار گروه حقوق دانشگاه تبریز

*** دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران o.rostamighazzani@gmail.com

قوة قضاییه و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی که البته با ایراد شورای نگهبان مواجه شد، این اختلاف نظرها واجد جنبه عملی نیز گشت. از این رو این مقاله در صدد است با توجه به صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی و کلیت آن به ارائه تبیینی مبتنی بر روح حاکم بر قانون اساسی بپردازد. از دیدگاه این مقاله، با توجه به بند ۱ اصل سوم قانون اساسی، پیشگیری از جرم بر عهده کلیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بوده و قوة قضائیه نیز در این زمینه با رعایت اصل تفکیک قوا دارای مسئولیت است.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، لایحه پیشگیری از وقوع جرم

مقدمه

پیشگیری از جرم از ضروریات زندگی اجتماعی است که از گذشته‌های دور تا کنون در جوامع مختلف به اشکال مختلف وجود داشته است. از آنجا که پدیده مجرمانه عمری به درازای زندگی انسان دارد و انسان برهه‌ای از تاریخ را به یاد ندارد که در آن شاهد جامعه‌ای عاری از جرم باشد، تدابیر پیشگیرانه نیز عمری به درازای پدیده مجرمانه دارد. لیکن با تحول در اشکال پدیده مجرمانه و ویژگی‌های آن در تعامل با اوضاع و احوال فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه، تدابیر پیشگیرانه نیز شاهد تحولاتی بوده است. این امر بالاخص در دوره بعد از انقلاب صنعتی و با رشد شهرنشینی و تغییرات بنیادی در زندگی اجتماعی انسان و بالاخص رشد میزان بزهکاری به عنوان یکی از نتایج ناخواسته تحولات مذکور و تأثیری که افزایش نرخ بزهکاری در افزایش احساس ناامنی داشته، نمود بیشتری یافته است.

پیشگیری از جرم در دو مفهوم عام و خاص به کار برده می‌شود. در مفهوم خاص تدابیر پیشگیرانه ناظر به اقداماتی است که فاقد صبغه کیفی بوده و در راستای پیشگیری جمعی کنشی از بزهکاری به کار می‌رود، ولی در مفهوم عام، اقدامات دارای صبغه کیفی و برای پیشگیری از تکرار بزه را نیز شامل می‌شود. پیشگیری در مفهوم کیفی و غیرکیفی آن دارای انواع و مصادیق متنوعی است. پیشگیری کیفی از طریق بازدارندگی عام و خاص، ناتوان‌سازی، اصلاح و تربیت و ترمیم خسارات بزه دیده می‌تواند حاصل شود. پیشگیری غیرکیفی نیز که شامل دو نوع وضعی و اجتماعی است، شامل طیف گسترده‌ای از تدابیر و اقدامات پیشگیرانه می‌شود.

تکلیف دولت‌ها در ایجاد جامعه‌ای امن برای شهروندان خود، بالاخص در جوامع متکی به آرای مردم و تأثیری که وقوع جرایم و انعکاس آنها در سطح رسانه‌های گروهی بر میزان مقبولیت دولت‌ها و در نتیجه در برآیند انتخابات‌ها دارد، اتخاذ تدابیر

منسجم پیشگیرانه را توسط دولت‌ها ایجاد می‌کند. رویکرد دولت‌ها به مقوله پیشگیری از جرم در دهه‌های اخیر و با گسترش جرایم سازمان‌یافته، جرایم فراملی و جرایم تروریستی بیشتر شده و از این‌رو، دولت‌ها درصدد برآمده‌اند با ایجاد نهادهایی به صورت خاص به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و سیاست‌گذاری و نظارت بر عملکرد نهادهای مرتبط با مقوله پیشگیری اقدام نمایند.

گسترده‌گی و تنوع تدابیر پیشگیرانه که در برگیرنده اقداماتی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است، از یک سو موجب ارتباط مقوله پیشگیری با طیف گسترده‌ای از نهادهای جامعه و از سوی دیگر ابهام در مرزبندی اقدامات پیشگیرانه نهادها با سایر وظایف و مسئولیت‌های آنها می‌شود. نتیجه آنکه نهادهای متعددی مجری اقدام در زمینه پیشگیری از جرم هستند؛ نهادهایی که ممکن است وظیفه و مسئولیت انحصاری آنها پیشگیری از جرم نبوده ولی بخشی از مسئولیت آنها در راستای پیشگیری از جرم باشد، و به علاوه ممکن است برخی از نهادها فقط در زمینه پیشگیری از جرم یا جرایم خاصی دارای مسئولیت بوده و یا تدابیر آنها ناظر به پیشگیری از جرایم طیف خاصی از افراد جامعه باشد.

در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» یکی از وظایف قوه قضائیه دانسته شده است. اصلاح مجرمین ناظر به پیشگیری ثالث و واکنشی از بزهکاری است که در قالب لحاظ شخصیت مرتکب جرم در فرآیند عدالت کیفری به منظور متناسب ساختن پاسخ کیفری با نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی او صورت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۸). این وظیفه قوه قضائیه با وظیفه دیگر آن قوه یعنی «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» در ارتباط است. در خصوص ماهیت «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» ابهاماتی وجود دارد و اینکه این اقدامات از

طریق اعمال تدابیر کیفری محقق می‌شود و یا از طریق تدابیر غیر کیفری و شناسایی عوامل جرم‌زا و از بین بردن آنها، بین حقوق‌دانان و جرم‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. آغاز مباحث اختلافی پیرامون بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به مجلس خبرگان قانون اساسی برمی‌گردد، ولی این اختلاف در جریان تدوین و تصویب «لایحه پیشگیری از وقوع جرم» نیز نمود پیدا کرد. از آنجایی که مطابق اصل ۹۸ قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است، اخذ نظریه تفسیری شورای نگهبان می‌توانست به این اختلافات پایان بخشد، ولی این امر محقق نشد تا اینکه شورای نگهبان در ضمن بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم دیدگاه خود را به‌طور ضمنی بیان نمود. در ادامه ابتدا به بیان دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی و حقوق‌دانان و جرم‌شناسان و سپس به نحوه انعکاس این موضوع در رویه قضایی ایران پرداخته و در نهایت به بررسی برداشت صورت گرفته از بند ۵ اصل ۱۵۶ در لایحه پیشگیری از وقوع جرم و دیدگاه شورای نگهبان اشاره می‌شود.

رویکرد خبرگان قانون اساسی به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی

مطالعه مشروح مذاکرات قانون اساسی نشان می‌دهد که در خصوص واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه بین خبرگان قانون اساسی اختلافاتی وجود داشته است. بنابراین بررسی مشروح مذاکرات قانون اساسی می‌تواند زمینه درک بهتر بند ۵ اصل ۱۵۶ را فراهم کند. در ادامه نخست به دیدگاه خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و سپس به دیدگاه شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ اشاره می‌شود.

دیدگاه خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸

در تدوین قانون اساسی دکتر قائمی در مخالفت با واگذاری وظیفه پیشگیری از جرم به قوه قضائیه بیان می‌دارد «به نظر من در بند پنج، پیشگیری از وقوع جرم در اختیار سازمان قضایی نمی‌تواند باشد. معتقد هستم که پیشگیری از وقوع جرم در برنامه‌های کوتاه‌مدت از وظیفه دستگاه‌های انتظامی یعنی شهربانی و ژاندارمری است و در برنامه‌های بلندمدت از وظیفه آموزش و پرورش کشور و سازمان مربوط به مسایل ارتباط جمعی می‌باشد که از طریق سازندگی مردم باید در این زمینه اقدام بکند» (بی‌نام، ۱۳۶۴: ۱۵۷۱). در تحلیل این بیان، با توجه به گونه‌های مطرح پیشگیری در جرم‌شناسی می‌توان گفت که برنامه‌های کوتاه‌مدت که از طریق دستگاه‌های انتظامی اتخاذ می‌شود به پیشگیری وضعی و حمایت از آماج‌های جرم و افزایش احتمال دستگیری مجرم و کاهش جذابیت جرم مربوط است. این پیشگیری دارای اثر کوتاه مدت بوده و با زوال تدابیر اتخاذی و کاهش حمایت از آماج‌ها دوباره احتمال ارتکاب جرم افزایش پیدا می‌کند. اما پیشگیری از ورای برنامه‌های بلندمدت که از طریق آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی اعمال می‌شود ناظر به پیشگیری اجتماعی و اتخاذ تدابیر لازم جهت جامعه‌پذیری آحاد جامعه است. در فرآیند جامعه‌پذیری، نهاد آموزش و پرورش و رسانه‌های گروهی و سایر نهادهای مربوط از قبیل خانواده می‌توانند با ارتقای فعالیت‌های خود زمینه را برای هنجارمندی بیشتر رفتار افراد جامعه فراهم کنند.

در مقابل یکی دیگر از خبرگان (دکتر ضیائی) بیان می‌دارد که: «در مورد پیشگیری جرم که آقای قائمی فرمودند این وظیفه دادگستری است برای بعضی از اماکن چون قدرت حاکم شرع را دارد و در حقیقت ناظر بر جمیع امور است. در هر جایی که احتمال بدهد که اینجا ممکن است جرمی واقع بشود وظیفه یک حاکم شرع

است به انحاء مختلف بدون متوسل شدن به قوه قهریه از قبیل نظامی و انتظامی جلوگیری بکنند» (همان: ۱۵۷۲). در ادامه نایب‌رئیس مجلس خبرگان (دکتر بهشتی) در حمایت از این بیان می‌گوید: «آقای قائمی در حقیقت این پاسخ شماست که دادستان یا بازپرس ببینیم آیا برای پیشگیری مثلاً از یک‌جا خبر بدهند که الان ممکن است قتل واقع بشود، هنوز جرم واقع نشده ولی مقدمات و آثاری به چشم می‌خورد که اگر یک نفر دارد تدارک قتل یک نفر دیگر را می‌بیند اگر بازداشتش نکنند این ممکن است به قتل منتهی بشود» (همان: ۱۵۷۲ و ۱۵۷۱). باید به این نکته توجه داشت که تدابیر پیشگیرانه مورد نظر خبرگانی که موافق واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم بر عهده قوه قضائیه بودند متفاوت با تدابیر مورد نظر مخالف بود. موافقین واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه، پیشگیری از طریق اتخاذ تصمیمات قضایی پیش از ارتکاب جرم را مد نظر داشته‌اند که در کشورهای دیگر نیز سابقه داشته است.

در بعضی از کشورها قوانین کیفری به قاضی اختیار داده‌اند، در صورتی که شرایط مقرر درباره حالت خطرناک قبل از وقوع جرم وجود داشته باشد به اقدامات پیشگیرانه متوسل شوند. مانند قانون جزای کشور دانمارک که صرف تهدید به ارتکاب جرم را بیانگر لزوم اعمال اقدامات تأمینی دانسته است و قانون جزای ایتالیا، ارتکاب جرم ممتنع و برخی اقدامات مقدماتی در جهت شروع به جرم را که از نظر قانون جرم محسوب نمی‌شوند نمودی از خطرناک بودن شخص می‌داند و به کار بردن اقدامات پیشگیرانه را درباره آنها جایز شمرده است (قاسمی، ۱۳۷۴: ۹۹). در ایران ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی، اقدامات تأمینی را عبارت از تدابیری می‌داند که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. پس در راستای رعایت اصل قانونی بودن، اعمال تدابیر تأمینی پیش از وقوع جرم مورد پذیرش قرار نگرفته است. رعایت اصل قانونی بودن اقتضاء می‌کند که حتی از اعمال روش‌های اصلاحی و

بازپروری در مورد کسانی که دارای حالت خطرناک بوده ولی هنوز جرمی را مرتکب نشده‌اند، خودداری شود. تنها مورد قابل بحث در خصوص اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی بدون اینکه جرمی واقع شده باشد، ضمانت احتیاطی مذکور در ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی است که البته این مورد بین حقوق دانان اختلافی است ولی ظاهر قانون دلالت بر اعمال آن بدون شرط قبلی وقوع جرم دارد.

پیشگیری از جرم از طریق اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی در مرحله قبل از وقوع جرم در فتاوی برخی از فقهای معاصر تجویز شده است. هر چند برخی از فقها نیز با آن مخالفت نموده‌اند. (رهامی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۶-۱۵۴) لذا طرح اتخاذ تدابیر لازم در جهت پیشگیری از وقوع جرم توسط مقامات قضایی هم در حقوق عرفی و هم در فقه اسلامی فاقد سابقه نمی‌باشد.

از مطالب مذکور به دست می‌آید که پیشگیری از جرم دارای مصادیق متعددی است که خبرگان موافق و مخالف با در نظر گرفتن مصادیقی از آن موافق و یا مخالف واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که اظهارات خبرگان قانون اساسی هر کدام به نوبه خود صحیح است. ولی مسئله این است که در شرایط فعلی که قانون اساسی به صورت مطلق مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم را به قوه قضائیه سپرده است آیا باید این مسئولیت را ناظر به تمامی انواع پیشگیری دانست و محدود به ساختار و وظایف قوه قضائیه تلقی کرد؟

دیدگاه شورای بازنگری قانون اساسی

در شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بحث مستقلی پیرامون پیشگیری از جرم و بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی صورت نگرفت، ولی ضمن مباحث

مربوط به تمرکزگر در مدیریت قوه قضائیه و وظایف رئیس قوه قضائیه مباحثی مطرح شد و اشاراتی هم به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی صورت گرفت.

عمید زنجانی از اعضای شورای بازنگری در خصوص ماهیت وظایف تفویضی به قوه قضائیه بیان می‌دارد که: «این وظایف پنج‌گانه علی‌کل حال وظایف قوه قضائیه محسوب می‌شود. البته این پنج وظیفه از نظر نوع و ماهیت متفاوت است؛ بعضی از این وظایف دقیقاً به صورت ماهوی مربوط به دستگاه قضایی است و بعضی از این اهداف یا وظایف مربوط به قبل یا مربوط به بعد یا مربوط به اموری است که به نحوی با مسائل قضایی در ارتباط است» (بی‌نام، ۱۳۶۹: ۳۲۰). بیان ایشان می‌تواند موجد این پرسش باشد که آیا پیشگیری از جرم مد نظر در بند ۵ اصل ۱۵۶ می‌تواند خارج از حیطه تصمیمات قضایی باشد؟ اگر وظایف قوه قضائیه را به وظایف قضایی، اداری و اجرایی تقسیم کنیم، پیشگیری از جرم در حیطه کدام یک از این وظایف قرار می‌گیرد و آیا می‌تواند با هر سه گونه وظایف قوه در ارتباط باشد؟

اشاره صریح‌تر به بند ۵ اصل ۱۵۶ را می‌توان در اظهارات نجف‌قلی حبیبی مشاهده کرد. ایشان وظایف قوه قضائیه را شامل وظایف مبتنی بر سیاست‌گذاری و وظایف اجرایی (اعم از اداری و قضایی) دانسته و بند ۵ اصل ۱۵۶ را از وظایف مربوط به سیاست‌گذاری می‌داند. وی می‌گوید: «آنجایی که دستگاه قضایی می‌خواهد مطالبی تهیه بکند برای اینکه از وقوع جرم پیشگیری بکند یا اقداماتی برای اصلاح مجرمین بکند قوانینی لازم دارد، قطعاً لوایحی می‌خواهد اما معلوم نیست همه آن لوایح، لوایح قضایی باشد». از این نظر نقش قوه قضائیه فراتر از اقدامات قضایی است. یکی دیگر از اعضای شورای بازنگری معتقد است که: «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، ... (امر) عمدتاً غیر قضایی است» (همان: ۳۴۷). و اضافه می‌کند که مسئولیت برقراری نظم و امنیت عمومی به قوه مجریه واگذار شده ولی

اختیارات لازم را در این حوزه به قوه قضائیه داده‌اند و وزارت کشور، استاندار و فرماندار موظف شده‌اند که جلوی اغتشاشات را بگیرند ولی تدابیر لازم جهت پیشگیری از آن از قبیل شنود مکالمات به قوه قضائیه واگذار شده است. ایشان پیشنهاد می‌کنند که مقوله‌های مربوط به قبل از محاکم که شامل تأمین امنیت، برقراری نظم و تعقیب مجرمین و امثال این‌ها، به قوه مجریه واگذار شود (همان: ۳۵۰-۳۴۷). مطابق این نظر پیشگیری از جرم می‌تواند قضایی و یا غیرقضایی باشد و در مقام مقایسه، پیشگیری غیرقضایی موسع‌تر از پیشگیری قضایی است از این‌رو واگذاری پیشگیری از جرم به قوه مجریه مناسب‌تر خواهد بود.

رویکرد حقوق‌دانان به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی

با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که «اقدامات مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» را بر عهده قوه قضائیه نهاده است، در خصوص قلمرو پیشگیری مد نظر در قانون اساسی بین حقوق‌دانان و جرم‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت که عده‌ای قائل به گستره اقدامات قوه قضائیه به اقدامات کنشی و پیش از وقوع جرم هستند. در مقابل عده‌ای دیگر قائل به گستره وظایف قوه قضائیه در چهارچوب تدابیر کیفری‌اند. حقوق‌دانان و جرم‌شناسان گروه نخست چون گستره اقدامات قوه قضائیه در مرحله قبل از وقوع جرم را مغایر با اصولی چون اصل تفکیک قوا و رعایت حریم خصوصی افراد و ... دانسته‌اند به نوعی در مقام چاره‌اندیشی برآمده‌اند و با پیشنهاد واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به رهبری و یا تفسیر مدیریت‌محور از بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی سعی بر فائق آمدن بر لوازم تفسیر مورد نظر خود برآمده‌اند. بنابراین در این باره سه نظر به شرح زیر بین اصحاب حقوق ملاحظه می‌شود:

واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به رهبری

رهبری به‌عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی در نظام حقوقی ایران و عالی‌ترین نهاد سیاست‌گذاری و نهادی که قوای سه‌گانه زیر نظر او اعمال می‌شوند، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی نظام سیاست جنایی کشور دارد که این نقش را می‌توان در قالب نقش کلان و غیرمستقیم رهبر در سیاست جنایی و نیز عفو و تخفیف مجازات مجرمین بیان کرد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۸۱). عمده‌ترین وظیفه رهبری تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است که یکی از نمودهای آن را می‌توان در تعیین سیاست‌های کلی نظام در زمینه پیشگیری از بزهکاری دانست و با توجه به گستره تدابیر پیشگیرانه که مرتبط با عملکرد قوای سه‌گانه این سیاست‌ها می‌تواند موجب ایجاد هماهنگی در عملکرد قوای سه‌گانه در زمینه پیشگیری از بزهکاری باشد.

استاد فقید آقای دکتر کی‌نیا در ارتباط با بند ۵ اصل ۱۵۶ بیان می‌دارد: «... این بند مقدس که در اصل یکصد و پنجاه و شش افتاده، جایش عوض شود، ما حفظش می‌کنیم ولی پیشگیری از جرم عمل قضایی نیست ... تلاش من این است که توفیق پیش بیاید، در این بازنگری قانون اساسی، این بند یکصد و پنجاه و شش - اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم را - از صلاحیت دادگستری خارج و در صلاحیت رهبری مملکت قرار دهد. دلیل من برای این کار این نیست که دنیای خارج این کار را کرده است، پس ما هم انجام دهیم. اطلاع دارید، ژیسکار دستن وقتی رئیس جمهور شد بزرگ‌ترین مؤسسه را برای بررسی جرم به وجود آورد. البته آمریکایی‌ها یک مقدر جلوتر، در زمان جانسون این کار را کرده بودند ... با یک مؤسسه ویژه زیر نظر رهبر مملکت، زیرا رهبر بر هر سه قوه اشراف دارد. من مثال ساده‌ای می‌زنم، فرض کنیم دادگستری دریابد مشکل اساسی ما در خانواده‌هاست، چه کاری می‌تواند بکند، هیچی،

هیچ کاری نمی‌تواند بکند، اما سیاست‌گذار مملکت، او که سیاست‌های ملی مملکت را تدوین می‌کند، او می‌تواند این کار را بکند...» (زینالی، ۱۳۸۱: ۱۰۸). دکتر کی‌نیا از یکسو با بیان اینکه «پیشگیری از جرم عمل قضایی نیست»، مفهوم پیشگیری را در بند ۵ اصل ۱۵۶ را پیشگیری غیرکیفری می‌داند و از سوی دیگر با بیان لزوم واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به مقام رهبری، بر لزوم همکاری قوای سه‌گانه در زمینه پیشگیری از جرم اشاره می‌کند و با این بیان بر نقش پیشگیری قضایی نیز اشاره می‌کند. واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به رهبری از ورای سیاست‌گذاری کلان مقام رهبری، اگر چه با توجه به جایگاه حقوقی سیاست‌های کلان که در مرتبه‌ای پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر از قوانین و مقررات عادی قرار دارند و می‌توانند راهنمای حرکت قوای سه‌گانه و نیروهای دیگر مؤثر در جامعه به سمت اهداف آرمانی و اصول قانون اساسی قرار گیرند (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۰) و در نتیجه در هماهنگی قوای سه‌گانه مؤثر واقع شوند، لیکن با توجه به ماهیت این سیاست‌ها که متضمن بایدها و نبایدها و تعیین اولویت‌ها هستند و عموماً حاوی امر و نهی منجز و مشخصی نیستند، و اجرای آنها خود مقتضی سیاست‌های جزئی‌تر است، نمی‌تواند در وادی عمل کارگشا باشد. در واقع باید گفت که اگر بین اهداف و آرمان‌ها از یکسو و اصول و قواعد حقوقی از سوی دیگر تفکیک قائل شویم، این سیاست‌ها بیشتر هدف و آرمان هستند تا قاعده‌ای حقوقی با حد و حصر مشخص و با امر و نهی معین و منجز (همان: ۱۶۶).

در شرایط کنونی که مسئولیت پیشگیری از جرم طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به قوه قضائیه واگذار شده، با تفسیر موسع قلمرو پیشگیری از جرم در بند مذکور راه برای نقض اصل تفکیک قوا فراهم خواهد کرد.

واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه با رویکرد مدیریتی

عده دیگر از حقوق دانان و جرم شناسان نیز هم‌نوا با طرفداران واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به مقام رهبری قائل به کاربرد پیشگیری از جرم در مفهوم پیشگیری غیرکیفری در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی‌اند، منتها ایشان با توجه به اصل تفکیک قوا معتقدند که پیشگیری غیرکیفری از شمول اختیارات قوه قضائیه خارج است و از این رو قوه قضائیه باید به جای اتخاذ تدابیر اجرایی، به مدیریت پیشگیری از جرم بپردازد و رهنمودهای لازم را به نهادهای مجری پیشگیری ارائه نماید. طرفداران این نظر در راستای اثبات ادعای خود مبنی بر غیرکیفری بودن پیشگیری از جرم مذکور در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به دو دلیل عمده اشاره می‌کنند. نخست آنکه عبارت مندرج در بند ۵ اصل ۱۵۶ ترجمه دقیقی از عنوان کنگره‌های پنج‌سالانه‌ای است که توسط سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۵ برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این کنگره‌ها تشخیص و تدوین استانداردهای بین‌المللی به منظور همکاری نزدیک‌تر دولت‌ها در زمینه پیشگیری از جرم و جهت‌دهی به همکاری‌های مطالعاتی و فنی آنها در این زمینه است (بی‌نام، ۱۳۸۴: ۳۵۵). سابقه توجه ایران به این کنگره‌ها به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد به طوری که ایران علاوه بر حضور در کنگره‌های نامبرده، در استفاده از رهنمون‌ها، توصیه‌ها و الگوهای پیشنهادی بهره‌های فراوانی برده است. از این رو به نظر می‌رسد نویسندگان قانون اساسی که برخی از آنها با ساز و کارهای سازمان ملل متحد آشنا بودند، سیاست جنایی سازمان را به این اعتبار که ایران عضو آن است در قانون اساسی لحاظ کرده‌اند (نیاز پور، ۱۳۸۲: ۱۴۰). دلیل عمده دیگر طرفداران رویکرد مدیریتی آن است که پیشگیری کیفری از جرم در بند ۴ اصل ۱۵۶ با عبارت «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات بدون جزایی اسلام» بیان شده است و در قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ با عبارت «اصلاح مجرمین»

این نوع پیشگیری مورد توجه قرار گرفته است، لذا در قسمت نخست بند ۵ اصل ۱۵۶ قانونگذار قانون اساسی به دنبال بیان مطلب دیگری غیر از پیشگیری کیفری بوده است. از دیدگاه طرفداران رویکرد مدیریتی اجرای بند ۴ و قسمت دوم بند ۵ از وظایف قوه قضائیه است ولی قسمت اول بند ۵ از وظایف انحصاری آن نیست و مراد خبرگان از قسمت اول بند ۵ این بوده که قوه قضائیه متولی است و نه مجری. به عبارت دیگر، این قوه باید سیاست‌گذاری نماید و کمیسیونی را بدین منظور تشکیل دهد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۵: ۷۲۷). با پذیرش این دیدگاه حقوق‌دانان می‌پذیرند که اولاً - واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه امر اشتباهی بوده است. ثانیاً - این دیدگاه خواهان تثبیت پیشگیری از جرم در معنای جرم‌شناسانه آن می‌باشد. ثالثاً - قوه قضائیه باید بر این اساس مدیریت و سیاست‌گذاری را بر عهده گیرد (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۶). هر چند قوه قضائیه به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد درگیر در مبارزه با بزهکاری، با توجه به آمار و اطلاعاتی که از روند بزهکاری در کشور دارد، بهتر می‌تواند به مدیریت این امر مبادرت ورزد اما ایرادی که بر این دیدگاه وارد است این است که با مباحثی که در جلسه خبرگان قانون اساسی مطرح شد، دیدگاه کسانی مورد پذیرش قرار گرفت که خواهان واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه بودند و مفهوم پیشگیری مورد نظر آنان در چهارچوب تدابیر تأمینی که نوعی پیشگیری کیفری است، بود. از سوی دیگر این سؤال مطرح می‌شود که آیا اقدامات مناسب قوه قضائیه منحصر در پیشگیری کیفری است، یا اینکه وظایف تعریف شده برای قوه قضائیه می‌تواند در قالب پیشگیری وضعی و یا اجتماعی نیز مطرح شود؟ اما ایراد دیگر به نتیجه رویکرد مدیریتی این است که در صورت پذیرش این دیدگاه به اصل تفکیک قوا خدشه وارد خواهد شد. اعطای اجازه سیاست‌گذاری به قوه قضائیه به معنای الزام‌آور بودن آن سیاست‌ها برای قوای مقننه و مجریه است.

واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه در چهارچوب وظایف قوه قضائیه

مطابق دیدگاه عده‌ای از حقوق‌دانان، واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به قوه قضائیه، آگاهانه و هدف‌دار بوده است و در این باره چنین استدلال کرده‌اند که قوه قضائیه تنها نهادی است که با بزهکاری از نزدیک در ارتباط است. پس به راحتی می‌تواند به علل وقوع آن پی برده و برای از بین بردن علل آن، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و عمل کند. از سوی دیگر قانون اساسی نیز از این قوه به‌عنوان تنها نهادی که وظیفه پیشگیری از جرم را دارد، نام برده است، پس تولیت این قوه برای پیشگیری از وقوع جرم با قانون اساسی هم مطابقت دارد (زینالی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). با این حال این شیوه استدلال نیز بی‌ایراد نیست و مغایر با اصل تفکیک قوا است.

اما رویکرد دیگر معتقد است که بند ۵ اصل ۱۵۶ مشتمل بر دو عنوان کلی است که در هر زمان می‌تواند مصادیق و روش‌های مختلفی را شامل شود (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۷۹: ۳۶۷). از این دیدگاه با توجه به اصل سوم و برخی دیگر از اصول قانون اساسی «پیشگیری کنشی از بزهکاری» در زمره وظایف نهادهای دولتی و اجرایی قرار دارد و قوه قضائیه مطابق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی تنها باید به پیشگیری واکنشی از بزهکاری مبادرت ورزد (نیاز پور، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

ایرادی که بر این دیدگاه طرح کرده‌اند این است که در این حالت دو قسمت بند ۵ اصل ۱۵۶ بیانگر یک امر خواهند بود، یعنی پیشگیری از جرم از ورای اجرای تدابیر اصلاحی نسبت به مجرمین حاصل می‌شود و یا به عبارت دیگر تدابیر اصلاحی در راستای پیشگیری از تکرار جرم به کار می‌رود. در پاسخ به این ایراد باید گفت که «پیشگیری از جرم» و «اصلاح مجرمین» دو موضوع مستقل مورد نظر قانون‌گذار بوده است و لزوماً پیشگیری مترادف با اصلاح مجرمین نیست، ممکن است مصادیقی از

پیشگیری مورد نظر باشد که لزوماً در جهت اصلاح بزهکار نیست بلکه در جهت کاهش خطر بزهکاری در آینده است و حتی می‌توان فراتر از این رفت و پیشگیری از طریق قوه قضائیه را به مفهوم استفاده بهینه از ساز و کارهای قوه قضائیه در برخورد با جرم و مجرم دانست. بدین معنی که قوه قضائیه در حوزه مأموریت اصلی خود یعنی دادخواهی و قضاوت با تجهیز شدن به آخرین فن‌آوری‌های مرتبط با این مأموریت و بالا بردن دانش و استقلال قضات در استفاده مناسب از مقررات و اقدامات لازم و اساساً به هر طریق ممکن اعتلا و هیبت این قوه در نزد آحاد جامعه، نظر بر پیشگیری از جرم داشته باشد. البته باید از این هم فراتر رفت و علاوه بر پیشگیری از ورای آرای قضایی که بیشتر پیشگیری واکنشی است به پیشگیری از طریق نهادهای نظارتی قوه قضائیه بالاخص سازمان بازرسی کل کشور که نوعی پیشگیری وضعی و کنشی محسوب می‌شود را نیز مد نظر قرار داد.

رویکرد مقامات قضایی به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی

قضات به‌عنوان یکی از نقش‌آفرینان عمده در عرصه سیاست جنایی نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفاء می‌کنند، پیشگیری از جرم از طریق لحاظ شخصیت مجرم و فردی‌سازی قضایی نمونه‌ای از نقش قضات در پیشگیری از جرم است. در این میان آگاهی از دیدگاه مقامات قضایی نسبت به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌تواند حائز اهمیت باشد. رویه قضایی در مفهوم اخص خود به معنای آرای صادره از هیئت عمومی دیوان عالی کشور است و در مفهوم اعم، آرای صادره از دادگاه‌ها را نیز شامل می‌شود. ولی می‌توان فراتر از این به‌طور کلی رویه قضایی را دیدگاه مقامات قضایی دانست. در این راستا ابتدا به رویکرد رئیس قوه قضائیه به‌عنوان عالی‌ترین مقام قضایی که به موجب اصل ۱۵۸ قانون اساسی موظف به ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به

تناسب مسئولیت‌های اصل ۱۵۶ قانون اساسی و از جمله پیشگیری از جرم است، اشاره می‌شود و سپس به برداشت دادگاه‌ها در زمینه پیشگیری مورد نظر در قانون اساسی پرداخته می‌شود.

رویکرد روسای سابق قوه قضائیه

در خصوص قلمرو پیشگیری مورد نظر در قانون اساسی آقای محمد یزدی رئیس اسبق قوه قضائیه بیان می‌دارد: «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین که با بررسی و دقت در حدود این اقدامات معلوم می‌شود که چه مواردی مربوط به قوه قضائیه است و باید عمل شود؛ مثلاً مبارزه با فقر و جهل که قطعاً از عوامل جرم‌زا هستند، یا مبارزه با بی‌سوادی و فرهنگ مبتذل که عوامل جرم می‌باشند از وظایف قوه قضائیه نیست، چنانچه پس از اطلاع از توطئه یا تشکیل مرکز فساد، پیشگیری با ورود به منزل یا محل دستگیری افراد یا هر اقدام لازم دیگر که توطئه خنثی شده و مرکز فساد متلاشی شود، قطعاً از وظایف قوه قضائیه است» (یزدی، ۱۳۸۲: ۶۷۶ و ۶۷۵). این بیان تداعی‌کننده نقش محدود قوه قضائیه در پیشگیری از جرم است. آقای محمود هاشمی شاهرودی رئیس پیشین قوه قضائیه نیز از یک‌سو اجرای خوب روح احکام اسلامی را موجب پیشگیری می‌داند و از سوی دیگر تأکید دارد که پیشگیری از وقوع جرم غیر از رسیدگی و صدور حکم است (مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۲۰ و ۱۹).

در این راستا ریاست پیشین قوه قضائیه با صدور بخشنامه و دستورالعمل بر رویکرد مدیریتی نسبت به بند ۵ اصل ۱۵۶ تأکید نموده است و ستادهایی برای پیشگیری از برخی جرایم ایجاد نموده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به «تشکیل ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم ویژه با مسئولیت رئیس کل دادگستری هر

استان» مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۲، «تشکیل ستاد ویژه در مراکز استان‌ها برای مبارزه قاطع با اعتیاد و جرایم مرتبط با مواد مخدر و دستورالعمل آن» مصوب ۱۳۸۱/۶/۲۱ و «دستورالعمل تشکیل مجتمع‌ها و شعب تخصصی رسیدگی به جرایم و تخلفات رانندگی» مصوب ۱۳۸۷/۷/۲۳ اشاره نمود.

رویکرد رویه قضایی

در ایران رویه قضایی به صورت گسترده نسبت به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نپرداخته است، ولی در برهه‌ای شاهد توقیف برخی از نشریات توسط مقامات قضایی به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و اجرای قانون اقدامات تأمینی و تربیتی بودیم^۱ که این امر موجب بروز دیدگاه‌های موافق و مخالف نسبت به این امر شد. در این باره موافقین می‌گویند در صورتی که تعداد زیادی از نشریات، در همسویی با عوامل ضد امنیت جامعه، اقدام به ارتکاب جرایم موضوع قانون مطبوعات نمایند، با توجه به طولانی بودن روند رسیدگی‌های قضایی در جرایم مطبوعاتی تا حصول رأی قطعی، عقل سلیم اجازه نمی‌دهد نشریه‌ای به افشای اسرار نظامی بپردازد یا امنیت داخلی و خارجی کشور را مختل کند و قوه قضائیه برای حفظ امنیت جامعه و جلوگیری از تکرار و استمرار جرم، حق استفاده از قانون اقدامات تأمینی را دارد (مرتضوی، ۱۳۸۳: ۲۴۷) و عده‌ای از مقامات قضایی بر این نظر هستند که دادستان می‌تواند برای پیشگیری از ایجاد فضای تهمت و توهین و رواج مسائل خلاف اخلاق و در راستای اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی اقدام به توقیف نشریات نماید (جعفری دولت آبادی، ۱۳۸۹: ۱). در مقابل عده‌ای دیگر بر این باورند که مداخله دادگستری به عنوان نهادی سرکوبگر، قبل از وقوع جرم برای پیشگیری از ارتکاب جرم بسیار خطرناک بوده و حقوق و آزادی‌های فردی را در معرض خطر و تجاوزات جدی قرار می‌دهد (زینالی، ۱۳۸۱: ۱۰۷) و عده‌ای

نیز تمسک به این اصل را مستلزم تبیین و تفصیل آن توسط قانون عادی دانسته‌اند. (الهام، ۱۳۸۹: ۱) برای اظهار نظر در خصوص درستی یا نادرستی دیدگاه موافقان و مخالفان لازم است که تأملی در قانون اقدامات تأمینی صورت بگیرد. مطابق ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی، اقدامات تأمینی تدابیری است که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند و صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد. بنابراین اعمال اقدامات تأمینی قبل از وقوع جرم به عنوان یک قاعده کلی مورد پذیرش واقع نشده است و تنها مورد تجویز شده در خصوص اعمال تدابیر تأمینی قبل از وقوع جرم به ضمانت احتیاطی مقرر در ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی برمی‌گردد. تعطیلی مؤسسات به عنوان یک اقدام تأمینی در ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی پیش بینی شده که در آن به صراحت بیان شده است که «به دستور دادگاه که در ضمن حکم مجازات داده می‌شود، بسته خواهد شد» فلذا پیش از احراز مجرمیت توسط دادگاه امکان بستن موسسه وجود ندارد. ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص ضبط اشیایی که آلت جرم بوده و یا در نتیجه جرم حاصل شده باشند، نیز نمی‌تواند مورد استناد باشد چرا که این امر نیز با فرض احراز جرم امکانپذیر است.

دغدغه‌ی موافقان هر چند قابل تامل است، ولی به دلیل فقدان ساز و کار قانونی، قابل پذیرش نمی‌باشد و وظیفه قانونگذار است که با مد نظر قرار دادن مصالح اجتماعی از یکسو و حفظ حقوق شهروندان از سوی دیگر تدابیری پیش روی مقامات قضایی قرار دهد.

رویکرد لایحه و شورای نگهبان به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی

قوه قضائیه در سال ۱۳۸۰ و به دنبال غلبه پیدا کردن گفتمان مدیریتی در خصوص بند ۵ اصل ۱۵۶ در مراکز علمی و نیز با توجه ویژه‌ی رئیس قوه قضائیه وقت به مقوله پیشگیری از جرم، درصدد تدوین لایحه‌ای بر آمد تا از طریق آن وضعیت مدیریت پیشگیری از جرم در ایران سامان پیدا کند و خلاءهای موجود در این زمینه تا حد زیادی مرتفع شود (جمشیدی، بی تا: ۳۹). تا پیش از تدوین این لایحه شماری از قوانین و مقررات مانند قانون تأسیس وزارت اطلاعات، قانون تأسیس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، لایحه قانونی سازمان بهزیستی کشور و ... پیشگیری از جرم را به عنوان یکی از اهداف و یا وظایف این نهادها بیان کرده بود ولی نبود مدیریت متمرکز در این زمینه سبب اتخاذ سیاست‌ها، تدابیر، پیش‌بینی راهبردها و اعمال اقدام‌های نامتجانس و گاه متضاد شد (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۶) و از این رو قوه قضائیه در راستای رفع این معضل اقدام به تدوین «لایحه پیشگیری از وقوع جرم» نمود. این لایحه با تغییراتی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که البته با ایرادات شورای نگهبان مواجه شد. فلذا در ادامه ابتدا به رویکرد لایحه نسبت به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و به تبیین دیدگاه شورای نگهبان در مورد آن پرداخته می‌شود.

رویکرد لایحه

لایحه پیشگیری از وقوع جرم که در راستای بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی و تحقق بخشیدن به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در قوه قضائیه تدوین شد در سیر روند تصویب خود با دگرگونی‌هایی مواجه شد.

رویکرد لایحه پیشنهادی دولت

لایحه پیشنهادی دولت در ماده ۱ خود به تعریف پیشگیری از جرم می‌پردازد و آن را عبارت از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای جلوگیری از وقوع آن می‌داند و آن را به سه گونه پیشگیری اجتماعی، قضایی و انتظامی تقسیم می‌کند. این چنین تقسیم‌بندی‌ای از پیشگیری از جرم حکایت از باور تهیه‌کنندگان لایحه بر محدودیت نقش قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم و عدم مناسبت و کفایت قوه قضائیه در قبول مسئولیت تمامی امور مربوط به پیشگیری از جرم دارد.

مطابق ماده ۲ لایحه در راستای تحقق اصل سوم قانون اساسی و به‌منظور اجرایی شدن بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اتخاذ راهبردهای جامع، هماهنگ و اثربخش در این زمینه «شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم» تشکیل خواهد شد. اشاره به اصل سوم قانون اساسی حکایت از این امر دارد که تدوین‌کنندگان لایحه، پیشگیری از جرم را وظیفه تمامی حاکمیت دانسته‌اند. مطابق آن اصل «دولت^۲ جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و

مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و ...»

عبارت «کلیه مظاهر فساد و تباهی» عام بوده و دربرگیرنده تمامی مظاهر فساد و از جمله جرایم است. از این‌رو پیشگیری از جرایم نیز بر عهده دولت در مفهوم اعم خود خواهد بود.

فلذا تمامی قوای سه‌گانه در پیشگیری از جرم دارای وظیفه بوده و از این‌روست

که در ماده ۳ لایحه، شورای عالی را مرکب از رئیس‌جمهور و یکی از معاونان وی،

رئیس قوه قضائیه و یکی از معاونان وی و رئیس و یکی از نواب رئیس مجلس شورای اسلامی می‌داند. نتیجه اینکه لایحه پیشنهادی دولت قائل به این است که پیشگیری از جرم از وظایف مشترک قوای سه گانه است و در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز بر نقش قوه قضائیه در پیشگیری از جرم در حیطه وظایف خود به نحوی که موجب نقض اصل تفکیک قوا نباشد تأکید شده است.

رویکرد مصوبه مجلس شورای اسلامی

ماده ۱ مصوبه مجلس شورای اسلامی پیشگیری از جرم را عبارت از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن می‌داند. فلذا در گستره مفهومی پیشگیری مشابه تعریف مذکور در لایحه پیشنهادی دولت است، منتها در مصوبه مجلس شورای اسلامی به گونه‌شناسی تدابیر پیشگیری اشاره نشده است. در ماده ۲ مصوبه به تشکیل شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت نهادهای مختلف قضایی و غیرقضایی در راستای اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶، در ماده ۳ مصوبه نیز به وظایف آن از جمله اتخاذ راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست‌های کلی نظام اشاره شده است. نتیجه آنکه با توجه به گستره مفهومی پیشگیری از جرم و ساختار شورای عالی پیشگیری از جرم و وظایف تعریف شده برای شورا، مجلس شورای اسلامی رویکرد مدیریتی نسبت به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی را پذیرفته است.

رویکرد شورای نگهبان

مطابق اصل ۹۸ قانون اساسی «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود». از این رو می‌توان با استعلام نظریه تفسیری شورای نگهبان به اختلافات مطرح شده پیرامون بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی خاتمه بخشید، امری که تا به حال محقق نشده است. با این حال شورای نگهبان در اظهار نظر خود نسبت به لایحه پیشگیری از وقوع جرم به طور ضمنی به بیان دیدگاه خود در زمینه بند ۵ اصل ۱۵۶ اقدام کرده است.

شورای نگهبان در بند دوم از ایرادات خود نسبت به مصوبه مجلس مقرر می‌دارد: «ماده ۲ از این جهت که وظایف قوه قضائیه و رئیس آن قوه را به شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم واگذار نموده است، مغایر اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد». از این ایراد فهمیده می‌شود که شورای نگهبان واگذاری مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم مقرر در بند ۵ اصل ۱۵۶ را که از عداد وظایف قوه قضائیه است را به شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، برخلاف قانون اساسی دانسته و این به معنای نفی رویکرد مدیریتی به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از سوی شورای نگهبان است.

شورای نگهبان در بند سوم از ایرادات خود در خصوص ماده ۳ مصوبه مجلس که در خصوص شرح وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد مقرر می‌دارد: «در ماده ۳، اموری که مربوط به قوه قضائیه است باید توسط رئیس قوه قضائیه و وظایفی که مربوط به قوه مجریه است باید توسط رئیس قوه مجریه تصویب و اجرا شود، لذا این ماده از این جهت که وظایف را به غیر رؤسای قوای مذکور واگذار نموده است، مغایر اصول ۱۵۷، ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی شناخته شد». با توجه به وظایفی که در ماده ۳ مصوبه برای شورای عالی شمرده شده است، شورای نگهبان

ضمن پذیرش این امر که برخی از این وظایف متعلق به قوه مجریه و برخی مربوط به قوه قضائیه است تصمیم‌گیری را حسب مورد به رئیس قوه قضائیه و رئیس جمهور واگذار نموده است که این امر به معنای این است که پیشگیری از جرم تنها از وظایف قوه قضائیه نبوده و قوه مجریه نیز دارای مسئولیت است.

آنچه با ملاحظه مجموع ایرادات شورای نگهبان به لایحه پیشگیری از وقوع جرم به دست می‌آید آن است که اولاً - شورای نگهبان نخواسته که وارد مباحث اختلافی پیرامون بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی شده و اظهار نظر صریحی در این خصوص مطرح نماید، هر چند که با فرض چنین اظهار نظر صریحی باز رویکرد مورد نظر آن نمی‌توانست اعتبار تفسیر قانون اساسی را داشته باشد. ثانیاً - شورای نگهبان تأکید ویژه‌ای بر رعایت اصل تفکیک قوا داشته و عمده ایرادات شورای نگهبان نیز در این راستا است. در جمع‌بندی می‌توان گفت که از دیدگاه شورای نگهبان مسئولیت قوه قضائیه تنها در حوزه سیاست‌گذاری آن قوه نسبت به نهادهای تابعه و اجرای برنامه‌های پیشگیری متناسب با ساختار آن قوه است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطروحه پیرامون بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی باید گفت که اصل تفکیک قوا به‌عنوان یکی از واقعیت‌های نظام حقوقی ایران در اصل ۵۷ قانون اساسی مورد پذیرش واقع شده است و واگذاری سیاست‌گذاری پیشگیری از جرم به‌صورت مطلق به قوه قضائیه مغایر با اصل تفکیک قوا است. پیشگیری از جرم چه در مفهوم اخص خود و چه در مفهوم اعم خود که در بردارنده پیشگیری کیفری نیز می‌باشد دارای گونه‌ها و مصادیق متعدد و به تعبیر اصولیین دارای اشتراک معنوی است. حال با توجه به اینکه پیشگیری از جرم به‌صورت مطلق در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون

اساسی به کار رفته است آیا می‌توان پذیرفت که این بند ناظر به تمامی مصادیق پیشگیری از جرم باشد و یا اینکه با اذعان به اینکه بسیاری از مصادیق تدابیر پیشگیری خارج از حیطه اختیارات و توان قوه قضائیه است، قوه قضائیه باید در این خصوص مدیریت کند؟ همان‌گونه که قبلاً در مباحث گذشته اشاره شد، پذیرش هر دو دیدگاه مشکلات حقوقی را به دنبال دارد. فلذا سایر اصول قانون اساسی از جمله بند ۱ اصل ۳ و اصل ۵۷ قانون اساسی قرینه‌ای است بر اینکه قوه قضائیه در چهارچوب نهادهای وابسته به خود وظیفه سیاست‌گذاری و اجرای تدابیر پیشگیری از جرم را بر عهده دارد و وظیفه پیشگیری از جرم اساساً با توجه به بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی بر عهده دولت در مفهوم اعم آن بوده و هر یک از قوای سه‌گانه در این بین دارای وظایفی خواهد بود. البته ممکن است اظهار شود که در بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی پیشگیری از فساد و تباهی بر عهده دولت در مفهوم اعم خود می‌باشد و بند ۵ اصل ۱۵۶ تخصیصی بر بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی است. فلذا پیشگیری از جرایم بر عهده قوه قضائیه بوده و پیشگیری از سایر تباهی‌ها و فسادها بر عهده قوای سه‌گانه است. در پاسخ باید گفت که بند ۵ اصل ۱۵۶ تنها مواردی از پیشگیری را به قوه قضائیه تخصیص داده که اعمال آنها مغایرتی با اصل ۵۷ قانون اساسی (تفکیک قوا) نداشته باشد.

البته قانون‌گذار باید در تدوین قوانین از واژه‌ها و عبارتهای روشن و شفاف بهره گیرد و حدود و ثغور مفهوم آن را مشخص کند تا تابعان قانون هنگام عمل و اجراء با ابهام مواجه نشوند. این امر به‌ویژه وقتی اهمیت می‌یابد که آن اصطلاح از زمره اموری باشد که در معنا و مفهوم آن اتفاق نظر وجود نداشته باشد. بنابراین بر خبرگان قانون اساسی بود که حدود و قلمرو پیشگیری از جرم را در بند ۵ اصل ۱۵۶ مشخص می‌کردند. زیرا نتیجه این ابهام عملاً چیزی جز حدود سه دهه عدم اجرای درست بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نبوده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای ملاحظه این آراء ر.ک: مرتضوی، سعید، جرایم مطبوعاتی، ج دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۳ و نیز در این زمینه
- ۲- در این اصل «دولت» در مفهوم عام خود که در بر گیرنده قوای سه گانه می‌باشد بکار رفته است و بکار رفتن وصف «جمهوری اسلامی ایران» پس از واژه «دولت» و ایجاد امنیت قضایی مندرج در بند ۱۴ مؤید این استدلال است.

منابع

- الهام، غلامحسین، (۱۳۸۹)، «این عمار»، روزنامه ایران، مورخ ۱۳۸۹/۸/۲۹.
- بی‌نام، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۹)، ج اول، چ اول، انتشارات اداره تبلیغات مجلس شورای اسلامی، تهران.
- بی‌نام، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۴)، ج ۳، چ اول، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران.
- بی‌نام، «کنگره‌های پنج سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری دستاوردها و دورنماها»، (۱۳۸۴)، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳ و ۵۲.
- جعفری دولت‌آبادی، عباس، (۱۳۸۹)، «جوابیه دادستان به سرمقاله روزنامه ایران»، روزنامه ایران، مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۳.
- جمشیدی، علیرضا، (۱۳۸۸)، «تدوین لوایح در پرتو برنامه‌های توسعه قضایی»، (۱۳۸۸)، چ اول، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- جمشیدی، علیرضا، (بی‌تا)، «مدیریت و پیشگیری از جرم در ایران»، در: مجموعه مقاله‌ها و سخنرانی‌های همایش پلیس و پیشگیری از جرم.
- حسینی، سید محمد، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، چ اول، دانشگاه تهران و سمت، تهران.
- رهامی، محسن، (۱۳۸۱)، اقدامات تأمینی و تربیتی، چ اول، میزان، تهران.
- زینالی، امیرحمزه، (۱۳۸۱)، «پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶.
- طاهایی نژاد، علیرضا، (۱۳۸۱)، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- قاسمی، ناصر، (۱۳۷۴)، *اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران*، چ اول، میزان، تهران.
- مرتضوی، سعید، (۱۳۸۳)، *جرایم مطبوعاتی*، چ دوم، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.
- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، (۱۳۸۶)، *پیشگیری از وقوع جرم*، چ اول، قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات، تهران.
- موسی‌زاده، ابراهیم، (۱۳۸۷)، «تأملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام»، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۷)، *زندان: درماتگاه بزهکاری و بزهکاران (دباجه) در: بولک، برنار، کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ هشتم، مجد، تهران.
- _____، (۱۳۸۵)، *مباحثی در علوم جنایی (تقریرات دکتر نجفی ابرندآبادی)*، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست چهارم.
- نجفی اسفاد، مرتضی و فرید محسنی، (۱۳۷۹)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ اول، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران.
- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۸۲)، «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
- یزدی، محمد، (۱۳۸۲)، *شرح و تبیین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ اول، انتشارات امام عصر (عج)، قم.